

تئاتر ابوذراز نگاه کمال الدین غراب

هدف سرگرمی نبود

امیرحسین خانی

غراب، نمایشنامه‌نویس و کارگردانی است که خود می‌گوید تئاتر را از داریوش ارجمند آموخته است. او که خاطراتی از اجرای تئاتر ابوذرا و بازسازی آن پس از انقلاب دارد، فارغ از دسته‌بندی‌های کلیشه‌ای رایج، معتقد است تئاتر باید درون‌مایه و جوهره تئاتر است که باید دینی باشد.



چه شد که با آقای ارجمند آشنا شدید؟

اولین نمایشی که بازی کردم، نمایشنامه‌ای به نام «مستأجر» بود. این نمایش نوعی طنز بود. در واقع یک طنز تراژیک بود که واقعیات جامعه را در آن زمان بیان می‌کرد. فکر کنم ششم دبستان بودم. تا زمانی هم که سوم یا چهارم دبیرستان می‌رفتم، چندین بار این نمایشنامه اجرا شد. این نمایشنامه را در مشهد آقای منصور همایونی کارگردانی کرد. یک نقش اصلی داشت که نوجوانی بود و نقش آن نوجوان را داشتم. خلاصه به دلیل اینکه پدرم اهل تئاتر بود و با آقای همایونی رفیق بودند، پای من هم به عرصه بازیگری کشیده شد و به تئاتر رفتیم.

در نمایش مستأجر، نقش اصلی مقابل من را آقای ارجمند بازی می‌کرد. آن زمان دانشجوی بود و تازه در مشهد مستقر شده بود. او نقش پدر من را بازی می‌کرد. آن نمایشنامه چندین بار در مشهد، در استان خراسان، در ساری و دیگر شهرها اجرا شد. در این مدت، نمایش چندین بار بازیابی شد و باز با بازیگران جدید و تازه اجرا می‌شد. چندین سال این نقش را بازی کردیم و هر سال پای ثابتش من و آقای ارجمند بودیم. ارتباط من با ارجمند از آنجا خیلی قوی شد. در واقع به نوعی در محضر او بازیگری

و کارگردانی یاد می‌گرفتم. این بود که در نمایشنامه‌های بعدی که ایشان اجرا یا بازی می‌کرد، آن رابطه عاطفی که بین ما پدید آمده بود و همچنان ادامه دارد، مرا به حضور در سر صحنه می‌کشاند.

چنان که من خودم در کارهای بعدی داریوش هم بودم و قبل از آن هم با ایشان کار می‌کردم و شاهد بودم، اصولاً وقتی یک کار به طور خام دست داریوش ارجمند می‌افتاد، ایشان توانایی بسیار بالایی در پروردن آن کار داشت و همچنان هم دارد. ما در بازیگری ایشان هم این را می‌بینیم. یکی از تأسف‌های همیشه من این است که آقای ارجمند کارگردانی را کنار گذاشت و بیشتر به بازیگری پرداخت.

در اجرای تئاتر ابوذرا با ایشان همکاری نکردید؟

من به دلیل اینکه ارادتی خدمت آقای ارجمند دارم، سر کارهای ایشان می‌رفتم. در نمایشنامه ابوذرا هم ارتباط من با ایشان از همان نوع قبلی بود، یعنی در حاشیه بودن. من گاهی سر تمرین‌ها می‌رفتم و از آقای ارجمند چیزهایی یاد می‌گرفتم. در یکی از شب‌های اجرا که من هم داخل سالن بودم، در پایان نمایش

آقایی بلافاصله پشت صحنه آمد و داریوش ارجمند و ایرج صغیری را بغل کرد و روبوسی کرد. بعدها از پدرم پرسیدم و گفت آن مرد دکتر شریعتی بوده است.

گویا ابوذرا بار دیگر بازنویسی شده بود اما به اجرا نرسید.

در اوایل انقلاب، آقای ارجمند، ابوذرا را با کمک آقای دانشور بازنویسی کرد. در اجرای جدید، ابوذرا آقای انوشیروان ارجمند بازی می‌کرد. متن جدید، چندین برابر متن اولیه بود. افراد به صورت گروهی گفت‌وگو داشتند و مثل اجرای زمان دکتر شریعتی نبود که فقط ابوذرا در آن به تنهایی صحبت کند.

تئاتر دوم ابوذرا با ابوذرا اول داریوش ارجمند قابل مقایسه نبود. او بعد از اینکه فوق لیسانس بازیگری گرفت، توانایی‌هایش شکوفاتر شده بود. داریوش حسایی روی ابوذرا دوم مایه گذاشته بود. یادم هست که دکور خیلی عظیمی ساخته شده بود که روی همان دکور، سکویی بود که گاهی وقت‌ها به عنوان شتر ابوذرا از آن استفاده می‌شد و گاهی وقت‌ها مثل سکو رویش حرکت می‌کرد. انوشیروان هم الحق خیلی خوب

تئاتر اگر می‌خواهد حرفی از دین بزند، باید آن جان‌مایه دین را بگیرد و مطرح کند. یعنی آن سؤال‌های اساسی که دین به خاطرش پدید آمده و پیامبران به خاطرش مبعوث شدند را از منظر دین تحلیل کنیم.

نقش را بازی می‌کرد. من سر آن صحنه بودم؛ در یک صحنه‌ای او باید از همان سکو که بالای سن درست کرده بودند، می‌پرد؛ اما متأسفانه پایش شکست. ماه‌ها طول کشید تا انوشیروان بهبود پیدا کرد و در این مدت اجرا کنسل شد. داریوش هم بعد از آن، دیگر کارگردانی نکرد. از این جهت خیلی متأسفم که آقای ارجمند عرصه کارگردانی تئاتر را کنار گذاشت؛ اما ایشان همچنان به اعتقاد من یکی از قوی‌ترین کارگردانان ایران است.

آیا می‌توان تئاتر ابوذرا را یک نقطه عطف در تئاتر دینی کشور دانست؟

من به تقسیم‌بندی تئاتر تحت عنوان تئاتر سیاسی، تئاتر دینی، تئاتر ارزشی و تئاتر دفاع مقدس اعتقاد ندارم. معتقدم هر انسانی به جهان هستی بینش و نگرشی دارد. اگر او این نگرشی که دارد را ویژه بداند یا بخواهد این را با دیگران مطرح کند، یعنی نگرشش در وجودش حل شده باشد و مشتاق این باشد که این را با دیگران مطرح کند، یکی از زبان‌هایش زبان هنر است. شما وقتی به نمایشگاه عکس یا نقاشی می‌روید، از روی آن تصاویر به نگرش آن فرد پی می‌برید. این انتخاب هنرمند به اصطلاح حالتی غریزی و خودجوش در خود این فرد دارد. خود او اسم روی کارش نمی‌گذارد. شما وقتی کار را نگاه

تولید ابوذرا بیشتر از آن که مرتبط به دکتر شریعتی باشد، به حضور آدم‌های تئاتری در محضر دکتر شریعتی بستگی داشت.